

## دفاع مقدس و بررسی مواضع و عملکرد قدرت‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای

### و سازمان‌های بین‌المللی

امیر عبد الله پور<sup>۱</sup>، زینب رشیدی زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشگاه یاسوج، یاسوج، [behnam.rashidizade@gmail.com](mailto:behnam.rashidizade@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشگاه یاسوج، یاسوج، [behnam.rashidizade@gmail.com](mailto:behnam.rashidizade@gmail.com)

#### چکیده

جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین وقایع تاریخ معاصر ایران اسلامی به‌ویژه انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. تاکنون پژوهش‌ها و آثار متعددی درباره ابعاد مختلف این واقعه انجام شده است. تبیین جنگ تحمیلی از منظر سیاست‌های نظام بین‌الملل از جمله مهمترین ابعاد دفاع مقدس می‌باشد. با این وجود، پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است. لذا این پژوهش در صدد است تا سیاست‌های نظام بین‌الملل را در مواجهه با دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران بررسی نماید. در این راستا از روش توصیفی تحلیلی و از چارچوب نظری واقع‌گرایی و نظام دو قطبی استفاده شده است. از جمله مهمترین یافته‌های مقاله حاضر این است که سیاست‌های نظام بین‌الملل اعم از سیاست کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در جنگ تحمیلی از یک سو به صورت ایجابی در راستای حمایت‌های همه‌جانبه تسلیحاتی، اطلاعاتی، نیروی انسانی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی از رژیم بعث عراق و از سوی دیگر بصورت سلبی، علیه جمهوری اسلامی بوده است.

**واژگان کلیدی:** جنگ تحمیلی، ایران، عراق، قدرت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی

## ۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی و تاسیس نظام جمهوری اسلامی با خطرات و چالش‌های مختلف داخلی و خارجی روبرو گردید. یکی از مهمترین چالش‌هایی که انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را با تهدید وجودی مواجه ساخت، تهاجم نظامی رژیم بعث عراق در سال ۱۳۵۹ علیه کشور می‌باشد. بررسی ابعاد و زوایای مختلف جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران از جمله موضوعات مورد پژوهش تاریخ معاصر کشور به‌شمار می‌رود. با وجود پژوهش‌هایی که در این باره صورت گرفته است اما هنوز برخی ابعاد این واقعه کمتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. بررسی سیاست، مواضع و اقدامات کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی در مواجهه با جنگ تحمیلی از جمله ابعاد و موضوعات مرتبط با جنگ تحمیلی می‌باشد که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بنابراین بررسی مطالعات گذشته و نیز وضعیت موجود از یک خلأ در زمینه این موضوع یعنی سیاست نظام بین‌الملل در قبال جنگ تحمیلی حکایت دارد که این امر، نشان دهنده ضرورت پرداختن به این موضوع است. انجام این پژوهش ضمن پر کردن خلأ پژوهشی موجود، زمینه‌ساز پژوهش‌های تکمیلی می‌باشد.

بنابراین با توجه به ضرورت و اهمیت مذکور، هدف اصلی در این مقاله بررسی سیاست‌های نظام بین‌الملل در مواجهه با دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران در قالب بررسی مواضع کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ جهانی و نیز نهادهای رسمی بین‌المللی می‌باشد. با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و چارچوب نظری واقع‌گرایی و نظام دو قطبی هدف این مقاله دنبال خواهد شد. به همین منظور در ابتدا در قسمت مبانی و چارچوب نظری، نظریه واقع‌گرایی و نظام دو قطبی به صورت تطبیقی با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تبیین خواهد شد. سپس سیاست کشورهای منطقه در قبال جنگ تحمیلی بیان می‌گردد. در قسمت سیاست قدرت‌های بزرگ جهان در جنگ تحمیلی، به سیاست کشورهای آمریکا، شوروی و کشورهای اروپایی پرداخته خواهد شد. در قسمت پایانی نیز سیاست سازمان‌های بین‌المللی همچون، شورای همکاری خلیج فارس، جنبش عدم‌تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد تبیین خواهد شد.

**سؤال تحقیق:** مواضع کشورها و نهادهای رسمی بین‌المللی در قبال جنگ تحمیلی چیست؟

## ۲. مبانی نظری و ادبیات تحقیق

### ۲-۱. واقع‌گرایی

واقع‌گرایی یکی از قدیمی‌ترین رهیافت‌های نظری روابط بین‌الملل است و به صورت گسترده‌ای به عنوان یک جهان بینی پذیرفته شده است. واقع‌گرایی که اغلب با عنوان سیاست قدرت یا سیاست واقع‌گرایانه مورد اشاره قرار می‌گیرد، تمرکز اصلی‌اش بر کسب، حفظ و اعمال قدرت از سوی دولت‌هاست. دیدگاه واقع‌گرایی با وجود پیشینه تاریخی‌اش در اندیشه سیاسی غرب، در عمل در دوره بعد از جنگ جهانی دوم و با شکل‌گیری روابط بین‌الملل به عنوان حوزه مستقل در مطالعات علوم انسانی به شکل نظام‌مند پدید آمد و تا به امروز تحولات گوناگونی را تجربه کرده است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۴۹). واقع‌گرایان معتقدند انسان ذاتاً شرور است و این شرارت انسان پایدار و ساختار نظام بین‌الملل نیز آنارشیک است، در این شرایط باید به اصل «خودپاری» و قدرت متوسل شد. در عین حال آنها بر این اعتقادند که برای جلوگیری از محیط آنارشیک گونه نظام بین‌الملل و جلوگیری از جنگ می‌توان از سازوکار «موازنه قوا» بهره جست. چرا که نمی‌توان به سازمان‌های بین‌المللی همانند «جامعه-ملل» و نیز حقوق بین‌الملل برای جلوگیری از جنگ و ایجاد بازدارندگی اعتماد کرد (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۱۸). واقع‌گرایان اعم از کلاسیک، به

رغم تفاوت در نقطه عزیمت نظری خود (سرشت بشر یا ساختار نظام بین الملل) بر اهمیت وضعیت آنارشیستیک نظام بین الملل تأکید دارند. در جهانی که هیچ دستگاه دولتی یا حاکمیتی مشترک با دسترسی انحصاری به ابزار اجبار وجود ندارد و نیز حکومتی بین المللی برای تنظیم رفتار دولت‌ها نیست، همه خود را در یک محیط مبتنی بر خودیاری می‌بینند که لازم است برای حفظ امنیت خود در آن قدرت کسب کنند. این به معنای آن است که دولت‌ها ظرفیت‌های نظامی تدافعی و یا تهاجمی خود را افزایش می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۸۲۹). در واقع علت شروع جنگ از منظر واقع‌گرایی برهم خوردن موازنه قدرت و تلاش عراق برای سوق دادن تحولات به سود خود می‌باشد. چرا که وقوع انقلاب اسلامی ایران با توجه به سیاست‌های اعلام شده‌اش، علاوه بر اینکه برای کشورهای منطقه و بویژه عراق خطر آفرین بود منجر به برهم خوردن سیستم موازنه قوای منطقه‌ای شد. بنابراین طراحی جنگ علیه ایران را می‌توان امر پذیرفته شده‌ای دانست که برای محدود کردن توان استراتژیک ایران به انجام رسید تا که بدین وسیله از انفجار انرژی آزاد شده در اثر این انقلاب و ایجاد تحولات عمیق و ساختاری، اولاً در خود ایران و ثانیاً کشیده شدن دامنه این تحولات به منطقه خلیج فارس و خاورمیانه جلوگیری شود (جلالی، ۱۳۸۳: ۸۱).

## ۲-۲. نظام دو قطبی

شعار «نه شرقی - نه غربی» که یکی از شعارهای اصلی دوران انقلاب بود پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی به اصل کلی و ثابت در سیاست خارجی کشور تبدیل شد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل نه شرقی - نه غربی به مثابه راهنمای عمل روابط خارجی درج شد. ساختار نظام بین المللی مسلط در دوران انقلاب اسلامی نظامی دو قطبی بود که آمریکا و شوروی به عنوان دو ابر قدرت دو قطب این نظام را تشکیل می‌دادند. تأکید انقلاب اسلامی بر شعار «نه شرقی - نه غربی» علاوه بر اینکه تأکیدی بر استقلال کشور و نشان دهنده راهی جدید برای انقلاب‌ها و جنبش‌های ملی در عرصه جهانی بود، به شیوه منطقی بنیان امنیت ملی کشور را بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ملی قرار داده و بر گسستن پیوندهای وابستگی به قدرت‌های جهانی تأکید می‌کرد. گفتمان جدید انقلاب اسلامی حاوی نظم جدید در منطقه خاورمیانه، واکنش سلبی نظام دو قطبی را در پی داشت. این رویکرد معنایی خود، موجد پاسخ تند نظام مادی بین الملل شد. نظام دو قطبی با ویژگی‌هایی که برای خود تعریف کرده بود بر عکس نظام توازن قوای قرن نوزدهم که فقط نظامی اروپایی بود موفق شده بود؛ بر کل جهان مسلط شود و کشورها را به دو بلوک عمده تقسیم کند هر چند جریاناتی چون غیر متعهدها در درون نظام دو قطبی شکل گرفتند ولی هیچ وقت نتوانستند قطب سوم شوند و یا نظام دو قطبی را تغییر دهند و یا آن را به چالش کشند. نظام دو قطبی اگرچه از وقوع جنگ جهانی سوم جلوگیری کرد ولی جنگ بین قدرت‌های بزرگ به طور ناعادلانه به جنگ نمایندگی به وسیله کشورهای کوچک شد. زمانی که انقلاب اسلامی نظام دو قطبی را به چالش کشید و این نظام را نافی حقوق ملت‌ها معرفی کرد و گسستن زنجیرهای استعماری آمریکا و شوروی را تنها راه نجات ملت‌ها دانست گویی به رویارویی هر دو قطب برخاست. انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی - نه غربی طلایه دار راهی جدید شد که همزمان تسلط دو قدرت بزرگ را بر مقدرات بشری محکوم ساخت (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). به طور کلی سیاست موازنه منفی و تجدید نظرطلبانه‌ای که بعد از انقلاب بر سیاست خارجی ایران حاکم شد؛ دو بلوک قدرت در نظام بین الملل را به این نتیجه رساند که بهترین جایی که انقلاب ایران می‌تواند صادر شود، کشور عراق است؛ چرا که عراق علاوه بر همسایگی با ایران دارای جمعیت شیعی قابل ملاحظه‌ای بود و سکونت آیت الله خمینی به عنوان رهبر انقلاب ایران از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۸ در نجف جایی که شماری از مبارزان متعهد شیعه عراقی از جمله آیت الله حکیم و محمدباقر صدر زندگی می‌کردند، می‌توانست این نفوذ را بیشتر کند. مسأله‌ای که در این جا وجود داشت این بود که آیا عراق با اکثریت شیعه تحت حکومت اقلیت سنی می‌توانست از چنین ناآرامی‌هایی مصون باشد؟ بنابراین، اگر ایران و عراق به عنوان دو کشور دارای انرژی نفتی با یکدیگر متحد می‌شدند، می‌توانستند دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز به سمت خود جلب نمایند. این امر می‌توانست موازنه قدرت موجود در خاورمیانه را برهم زند. بنابراین، نحوه توزیع قدرت در ساختار نظام بین الملل (توزیع قدرت در میان دو قطب) و موازنه قدرت همکاری جویانه‌ای که میان این دو قطب طبق گفته والتز حاکم است، باعث می‌شود تا جنگ عراق علیه ایران به صورت یک جنگ موازنه درآید. در این جنگ موازنه ما شاهد همکاری دو قطب برای حفظ موازنه میان ایران و عراق هستیم با وقوع جنگ عراق علیه ایران از منظر والتز باید به تمایل و نقش دو ابر قدرت آمریکا و شوروی در وقوع

یا حتی خاتمه آن توجه داشت. چرا که این نظریه کاملاً محیط داخلی دولت‌ها و انگیزه‌های رهبران را به عنوان متغیرهای علی رفتار و سیاست خارجی آن‌ها نادیده گرفته و فقط به نقش ساختار می‌پردازد (ثانی آبادی، ۱۳۸۸: ۵۹). از منظر ساختار نظام بین‌الملل تجاوز عراق به ایران علاوه بر ایجاد موازنه در منطقه و در سطح جهان می‌توانست مزایای زیر را به دنبال داشته باشد: الف: فشارهای سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ می‌توانست به فروکش کردن احساسات انقلابی مردم ایران کمک کند؛ ب: پیامدهای جنگ، ایران را متقاعد می‌کند که برای تأمین نیازمندی‌های خود به ویژه نیازهای نظامی و تسلیحاتی به آمریکا روی بیاورد؛ ج: وقوع جنگ باعث می‌شد ایران به دلیل تحمل تلفات و خسارات اقتصادی از صدور انقلاب باز مانده و بدین ترتیب، شوروی از خطر احتمالی اسلام‌گرایان در امان بماند. (درویشی، ۱۳۸۰: ۵۰) همان‌گونه که قبلاً هم ذکر شد، در جنگ عراق علیه ایران که در یک محیط دو قطبی قدرت در نظام بین‌الملل به وقوع پیوست، کاملاً می‌توان همکاری ضمنی و همراهی دو قطب با یکدیگر را مشاهده کرده چرا که طبق گفته والتز در یک نظام دو قطبی یک نوع توازن قدرت همکاری جویانه در حل بحران‌ها و یا اقداماتی در جهت ایجاد توازن در نظام بین‌الملل میان دو قطب وجود دارد. به طور کلی در مورد جنگ عراق علیه ایران استراتژی دو قطب در منطقه شامل حمایت از عراق و برقراری توازن در جنگ بود (اردستانی، ۱۳۷۸: ۹۳). اگر چه هم ایالات متحده آمریکا و هم شوروی در آغاز جنگ اعلام سیاست بی‌طرفی کردند، اما کاملاً سیاست‌های خود را به نفع عراق، به خصوص در دوران بعد از فتح خرمشهر به وسیله ایران، طراحی کردند تا بتوانند بدین وسیله توازن قدرت را بار دیگر بر منطقه خاورمیانه حاکم نمایند. و این همکاری ضمنی و تلویحی کاملاً با گفته والتز که معتقد است نظام‌های دو قطبی بیشتر از نظام‌های چند قطبی بر هم‌بستگی رقابت هژمونیک با موازنه توانایی‌های نظامی تأکید دارند منطبق می‌باشد. این همکاری میان دو قطب در طول جنگ ایران و عراق بیشتر قابل تأمل است.

### ۲-۳. پیشینه تحقیق

بررسی سیاست نظام بین‌الملل در مواجهه با دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران در نوع خود موضوعی نو و جدید محسوب می‌شود. چراکه پژوهش‌هایی که به این موضوع نزدیک بوده‌اند به مسائلی همچون نقش ترکیه، اقدامات آمریکا، تحلیل میزان کمک‌های مالی - تسلیحاتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به عراق، نقش گردانندگان جنگ تحمیلی عراق، رویکرد دولت‌های عربی در آغاز و پایان جنگ تحمیلی عراق و غیره پرداخته‌اند؛ اما برخی مهمترین آثار نگاشته شده نزدیک به موضوع این مقاله عبارت است از:

نویسندگان (سال پژوهش)، روش	اهداف یا سؤالات اصلی	مهمترین یافته‌ها
حسن لاسجردی (۱۳۸۰)، توصیفی تحلیلی	بررسی نقش و مواضع ترکیه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران	با شروع جنگ ایران و عراق ترکیه تلاش کرد تا نوعی نقش بی طرفی برای خود اتخاذ کند و با تکیه بر این سیاست، مقدار صادرات خود را به دو کشور ایران و عراق افزایش دهد. همچنین با حفظ تعادل در روابط، در عین میدان دادن به نیروهای اسلامی در ترکیه به شکل محدود، خود را از موقعیت‌های سخت و افراطی دور سازد
علی امیدی (۱۳۸۶)، اسنادی و توصیفی	بررسی روز شمار دخالت آمریکا در جنگ تحمیلی	اسناد آرشیو امنیت ملی آمریکا، سازمان سیا، اظهارات و خاطرات مقامات وقت آمریکا و رسانه‌های مشهور آمریکایی حاکیست حمایت ایالات متحده آمریکا از عراق در طول جنگ تحمیلی، طیف وسیعی از حمایت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را شامل می‌شود.
روح‌الله کنگاوری (۱۳۸۹)، توصیفی تحلیلی	تحلیلی بر کمک‌های مالی تسلیحاتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به عراق در جنگ تحمیلی	نتایج نشان می‌دهد که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، یک جنگ نیابتی بود لذا از یک حمایت همه جانبه و گسترده منطقه ای و فرامنطقه ای برخوردار بود. تلاش برای حفظ وضع موجود به مداخلات منطقه ای و فرامنطقه ای و حمایت از عراق تحت پوشش بی طرفی منجر گردید.

خالد رحمانی (۱۳۹۶)، اسنادی و توصیفی	نقش گردانندگان جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی	در بخش اول از این مقاله کنفرانسی، به علل و اهداف تجاوز عراق به ایران اشاره شده است. در بخش دوم نیز به نقش برخی کشورهای غربی، شرقی و عربی به عنوان صادرکنندگان تسلیحات به عراق در جنگ تحمیلی اشاره شده است.
حامد حاجتی چپه‌زادی (۱۳۹۹)، توصیفی و تحلیلی	رویکرد دولت‌های عربی در آغاز و پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران	رویکرد اکثر دولت‌های عربی در آغاز و پایان جنگ تحمیلی با تأثیرپذیری از تحولات میدانی جنگ، ناسیونالیسم عربی و سیاست‌های غرب و شرق همواره به صورت مستقیم و غیرمستقیم در همراهی با حزب بعث عراق بود لذا این امر سبب ترغیب به جنگ، تداوم جنگ و تحمیل خسارات فراوان مالی و جانی برای ایران شد.

اما آنچه در مجموع می‌توان گفت اینکه اولاً در هیچیک از آثار مذکور سیاست سازمان‌های بین‌المللی در مواجهه با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تبیین نشده است. ثانیاً اگرچه در آثار مذکور به برخی سیاست‌های مالی و تسلیحاتی کشورهای منطقه و فرماندهی‌های در جنگ تحمیلی اشاره شده است. اما در این مقاله به بعد سیاسی نیز در کنار دو بعد اقتصادی و تسلیحاتی اشاره شده است. ثالثاً در هیچیک از آثار مذکور سیاست‌های کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ در چارچوب نظریه واقع‌گرایی و نظام دو قطبی بررسی نشده است. لذا در مجموع می‌توان گفت که تحقیق حاضر از منظر گستره بحث و تبیین مبتنی بر چارچوبی علمی و در نتیجه، یافته‌های تحقیق با پژوهش‌های دیگر متفاوت بوده و جدید محسوب می‌شود.

### ۳. مواضع کشورهای منطقه در قبال جنگ تحمیلی (حفظ موازنه قدرت در منطقه)

همانطور که در نظریه واقع‌گرایی اشاره شد، حفظ موازنه قدرت به عنوان یک راهکار راهبردی در پیشگیری از جنگ محسوب می‌شود. از نگاه کشورهای منطقه، انقلاب اسلامی ایران به برهم خوردن موازنه قدرت در منطقه منجر خواهد شد. بر این اساس در راستای حفظ وضع موجود، بسیاری از کشورهای منطقه در روند تحولات قبل از جنگ با توجه به احساس خطری که از ناحیه انقلاب اسلامی کردند به طور انفرادی یا در قالب سازمان‌های عربی و اسلامی و مواضعی را اتخاذ می‌کردند که همه در جهت منافع عراق و پشتیبانی از این کشور بود. آنها در سه بعد اقتصادی، سیاسی و نظامی در جنگ از عراق حمایت کردند و نه تنها حاضر نشدند عراق را به عنوان متجاوز معرفی نمایند بلکه در اواخر جنگ که نیروهای ایران بخش‌هایی از خاک عراق را به عنوان تنبیه متجاوز تصرف نمودند، ایران را محکوم به عنوان اشغالگر معرفی کردند. تقریباً به جز کشورهای سوریه و لیبی سایر کشورها همسو با سیاست‌های غرب و هماهنگ با رژیم عراق مواضع تندی علیه انقلاب اسلامی اتخاذ کردند.

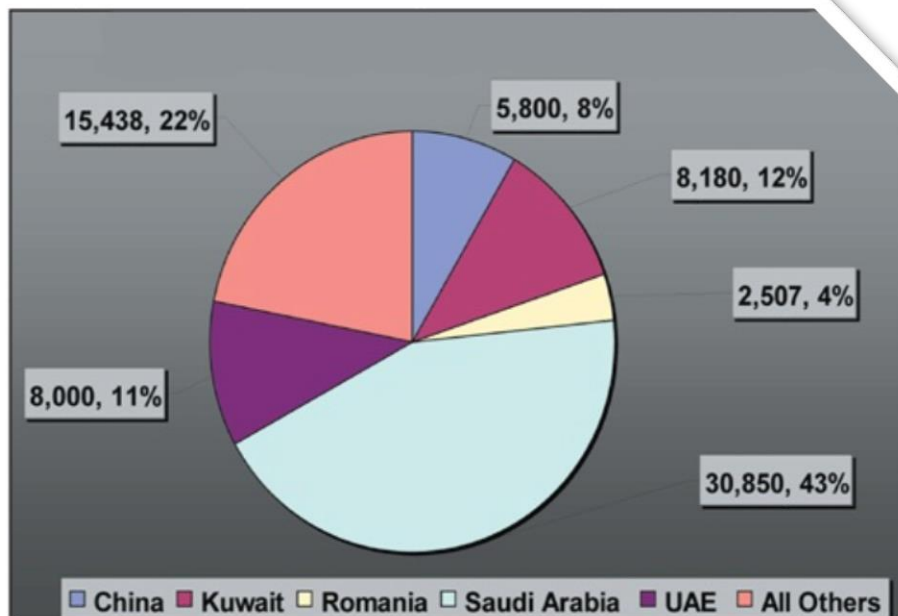
یکی از فرماندهان جنگ تحمیلی در همین رابطه می‌گوید:

«در بسیاری از عملیات‌ها نظیر خیبر، والفجر ۸ و کربلای ۵، حقیقتاً ماشین نظامی عراق از هم پاشیده شد؛ اما به چند ماه نمی‌کشید که صدام پس از هر کدام از این عملیات‌ها، با امکانات بیشتر و جدیدتر وارد منطقه می‌شد. این مسأله حاصل نمی‌شد جز با پول عرب‌های منطقه و حمایت‌های غرب و شرق» (درودیان ۱۳۸۹: ۱۴).

هر چند حجم کمک‌های مالی کشورهای جنوبی خلیج فارس به عراق، با توجه به ذات این کمک‌ها هیچ زمانی به طور رسمی و ثبت شده مشخص نخواهد بود اما اندیشکده گلوبال سکيوریتی، حجم کمک‌های مالی سه کشور عربستان، کویت و امارات را بالغ بر ۴۶ میلیارد دلار ذکر کرده است. این رقم جدای از کمک‌های بلا عوض محاسبه شده است و به عنوان بدهی عراق به این کشورها محسوب می‌شود (روزن، ۱۳۷۹: ۸۱).



Figure 11. Iraq's major creditors (non-Paris Club).



کارشناسان هزینه جنگی عراق را ماهانه بین ۶۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار برآورد می‌کردند؛ در حالی که ارزش حاصل از صدور روزانه ۸۹۳/۱ میلیون بشکه نفت به قیمت متوسط ۱۲ دلار برای هر بشکه، در سال‌های پایانی جنگ رقمی در حدود ۶۸۱ میلیون دلار در ماه بود و این حتی تکافوی هزینه جنگی عراق را نمی‌کرد؛ از این جهت نقش حمایت کشورهای عربی به -ویژه کویت و عربستان در جنگ تحمیلی از عراق به خوبی آشکار می‌شود.

### عربستان سعودی

عربستان سعودی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خود را در مقابل مفاهیم و آرمان‌های این انقلاب می‌دید و از همین رو پس از یورش رژیم صدام به ایران، از هیچ کمک و حمایتی برای مقابله با ایران دریغ نکرد. وقتی رژیم بعث به کویت حمله کرد، مقامات سعودی خود به این کمک‌ها اذعان کردند. عربستان بیش از ۳۰ میلیارد دلار وام به عراق داد و در ادامه بدهی‌های عراق را پرداخت کرد. همچنین در سایه نا امنی خلیج فارس، نفت عراق را با احداث خط لوله‌ای به عربستان برد تا از آنجا به فروش برساند. از این خط لوله روزانه یک و نیم میلیون بشکه نفت صادر می‌شد.

عربستان سعودی در طول جنگ تحمیلی تمام ظرفیت‌های دیپلماتیک خود را برای به انزوا کشیدن ایران و تقویت رژیم بعث عراق به عرصه آوردند. رایزنی‌های سیاسی با کشورهای مختلف از جمله آمریکا، مصر، اردن و مراکش و ... از جمله اقدامات در این زمینه بود. رژیم آل سعود نه تنها به این اقدامات بسنده نکرد بلکه در این دوران جنگ نفتی را با هدف کاستن از توان اقتصادی و درآمد ارزی جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت. سعودی‌ها با کاهش قیمت نفت سعی در فلج کردن اقتصاد ایران داشتند. این کاهش تا مرز هر بشکه ۶ دلار هم پیش رفت. عربستان به همراه دیگر کشورهای تولیدکننده نفت با افزایش تولید و اشباع بازار نفت، تولید و صادرات نفت ایران را مختل کردند.

خبرگزاری رویترز در تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۶۹ رقم دقیق کمک‌های مالی عربستان به عراق را به نقل از شاه عربستان بیش از ۲۷ میلیارد دلار بصورت کمک‌های نظامی و اقتصادی اعلام کرده است. "ملک فهد" در این رابطه اقرار کرد: « ارزش کل اعتبارات، وام‌های بی‌بهره و سایر کمک‌هایی که به شکل محموله‌های نفتی یا تجهیزات به عراق به عمل آمده بیش از ۲۷/۵ میلیارد دلار است. این اقلام شامل ۵/۸۴

میلیارد دلار اعتبار، ۶/۷۵ میلیارد دلار کمک بصورت تولید نفت، ۹/۲۵ میلیارد دلار وام بدون بهره و ۲/۷۴ میلیارد دلار تجهیزات نظامی و حمل و نقل می‌شود» (صفری، ۱۳۷۰: ۶۲). علاوه بر این، به همراه کویت و اردن سواحل خود را برای ارسال سلاح و تجهیزات به سمت خاک عراق، در اختیار این کشور قرار دادند. در بعد ارائه اطلاعات نظامی از ایران به عراق با در اختیار گرفتن هواپیماهای شناسایی آواکس از آمریکا اقدام به جمع‌آوری اطلاعات نیروهای ایرانی و ارائه آن به صدام می‌کرد.

### کویت

کویت که خود کمتر از دو سال پس از جنگ ایران و عراق هدف حمله صدام قرار گرفت؛ در طول جنگ هشت ساله از مهم‌ترین راههای تنفسی صدام به شمار می‌رفت. این کشور علاوه بر ۸ میلیارد دلار وام، ۱۴ میلیارد دلار نیز به عنوان وام بلاعوض به عراق داد و این علاوه بر نفتی است که کویت برای عراق صادر می‌کرد. «شیخ الصباح» یکی از سفرای کویت در آمریکا، در رابطه با میزان این کمک‌ها عنوان کرده بود: «کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است» (جعفری ولدانی، ۱۳۶۹: ۵۸).

در همین حال عراق از مدت‌ها پیش از جنگ به دنبال تسلط بر سه جزیره کویتی بوبیان، فیلکه و وره بود تا بتواند محدودیت جغرافیایی خود را در دسترسی به خلیج فارس جبران کند. صدام در طول جنگ با جدیت هر چه تمام‌تر به دنبال تصاحب یا حداقل اجاره این جزایر برآمد. سرانجام در آبان ۶۳ مطبوعات کویتی از حصول توافق با بغداد برای اجازه استفاده عراق از جزایر سه‌گانه خبر دادند. این مسئله توانست قدرت مانور نظامی ارتش عراق را بسیار بالا برد به طوری که هواپیماها، هلیکوپترها و نیروهای اطلاعاتی رژیم عراق از موقعیت جزیره بوبیان بطور مکرر استفاده می‌کرده‌اند. تصویر زیر نشان از موقعیت استراتژیک این جزیره در طول جنگ تحمیلی است.



بهره‌برداری‌های نظامی رژیم عراق از جزایر کویتی بر علیه مواضع نیروهای جمهوری اسلامی ایران، در جریان اقدام مشترک نیروهای آمریکایی، عراقی و کویتی در سال ۶۷ که به بازپس‌گیری شبه جزیره فاو و دیگر مناطق تحت تصرف ایران منجر شد، به اوج خود رسید.

#### اردن

اردن نیز از اصلی‌ترین حامیان و متحدان عربی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی بود. با شروع جنگ ملک حسین پادشاه اردن با شلیک اولین توپ قبل از صدام به سمت ایران، صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرد. در طول جنگ هشت ساله بین ایران و عراق، اردن با کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان از جمله اعطای وام‌های چند میلیون دلاری به عراق، حمایت و پشتیبانی‌اش را از این کشور اعلام کرد. روزنامه «گاردین» چاپ انگلستان به نقل از منابع فلسطینی در بیروت به چاپ کیهان در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۵۹ می‌نویسد: «ملک حسین پادشاه اردن، حدود پنج هزار از نیروهای خود را به عراق اعزام داشته تا وظایف امنیت داخلی را به عهده بگیرند تا سربازان عراقی برای رفتن به جبهه جنگ با ایران آزاد باشند.» این روزنامه همچنین خاطر نشان کرد که ملک حسین اولین رهبر یک کشور عربی بود که در جنگ ایران و عراق به طرفداری از عراق برخاست تا جایی که در جریان عملیات بیت المقدس، تعدادی از داوطلبان اردنی ارتش عراق نیز به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. در جریان جنگ تحمیلی، تنها سیستم حمل و نقل به عراق از طریق اردن صورت می‌گرفت. در این چهارچوب شبکه حمل و نقل وسیعی بین دو کشور ایجاد شد (مناقبتی، ۱۳۷۵: ۱۶۲-۱۶۳).

علاوه بر کشورهای مذکور، امارات متحده عربی معادل یک میلیارد دلار، قطر پانصد میلیون دلار، مصر ۳/۵ میلیارد دلار به عراق کمک کردند. در کنار حمایت‌های مالی و نظامی که این کشورها از عراق داشتند؛ حمایت‌های بسیار سیاسی نیز در ارگان‌های بین‌المللی و همچنین از نظر تبلیغاتی دولت‌های عرب از عراق صورت می‌دادند. همچنین تعدادی از کشورهای منطقه نیز حضور مستقیم در جنگ داشتند و با اعزام نیروهای خود به عراق رژیم بعثی را در مقابل ایران حمایت می‌کردند. در این راستا، حسنی مبارک رئیس‌جمهور وقت مصر بعد از جنگ اعتراف کرد: «۱۸ هزار سرباز مصری در کنار بعثی‌ها در مقابل ایران می‌جنگیدند» (فیلی رودباری، ۱۳۷۵: ۱۶۳).

#### ۴. سیاست قدرت‌های بزرگ جهان در جنگ تحمیلی (حفظ وضع موجود منطقه‌ای و بین‌المللی)

قدرت‌های بزرگ در سطح خرد در راستای حفظ وضع موجود و نفوذ منطقه‌ای خود و در سطح کلان حفظ وضع موجود در عرصه بین‌المللی و ساختار دو قطبی، سیاست‌هایی را در حمایت از رژیم بعث عراق و علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کردند.

#### ۴-۱. ایالات متحده آمریکا

کشورهای زیادی در تسلیح و تجهیز رژیم صدام به سلاح‌های مرگ‌بار نقش داشتند؛ اما در این میان، دولت آمریکا بیشترین سهم را در مسلح کردن رژیم صدام و حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی از این رژیم داشت. با آغاز جنگ در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰م نگرانی‌ها و امیدهای بالقوه‌ای برای ایالات متحده مطرح شد که ناشی از موقعیت استراتژیک خلیج فارس و مطرح بودن منافع حیاتی برای این کشور در منطقه بود. یکی از نگرانی‌های دولت کارتر، گسترش خشونت در منطقه و بروز اختلال در صدور بیش از ۶۰ درصد نفت مصرفی بود. نگرانی دیگر واشنگتن، برخورداری اتحاد شوروی از آزادی عمل دیپلماتیک بسیار بیشتری نسبت به آمریکا و افزایش نفوذ سیاسی آن کشور در منطقه بود. روس‌ها نه تنها با هر دو کشور درگیر روابط سیاسی داشتند و تأمین کننده اصلی سلاح‌های عراق به شمار می‌آمدند، بلکه به ایران نیز پیشنهاد فروش تسلیحات را داده بودند. در حالی که ایالات متحده با هیچ یک از طرفین درگیر، روابط دیپلماتیک نداشت.

برژینسکی، به عنوان مغز متفکر و تصمیم‌گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران، در تیرماه ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی‌رتبه آمریکا و عراق را طراحی کرد. به گزارش نشریه نیویورک تایمز، هدف از این دیدار بحث و مذاکره درباره راه‌های هماهنگ کردن فعالیت‌های آمریکا و عراق در مخالفت با سیاست‌های ایران بود. برژینسکی صدام را «نیروی متعادل کننده» امام خمینی (ره) تلقی می‌کرد. ملاقات



محرمانه صدام و برژینسکی در مرز اردن به منزله «چراغ سبز آمریکا» به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در صورت حمله به ایران مورد حمایت آمریکا قرار خواهد گرفت (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۴۷۱-۴۷۳).

حمایت‌های ایالات متحده از عراق را در طول دوران دفاع مقدس می‌توان به سه بخش سیاسی، اقتصادی و نظامی اطلاعاتی تقسیم‌بندی کرد. در بخش سیاسی با قطع روابط خود با ایران در سال ۱۹۵۹ و از سر گرفتن مناسبات سیاسی با عراق، از رژیم بعث عراق حمایت کامل نمود. این روابط تا بدان جا پیش رفت که آمریکا، عراق را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج ساخت. پشتیبانی از خط لوله بندر عقبه برای انتقال نفت عراق به غرب که دور از دسترس جنگنده‌های ایرانی بود یکی دیگر از موارد حمایت سیاسی آمریکا از عراق در جنگ با ایران بود. همچنین متحدین اقتدارگرای خود در منطقه از جمله عربستان و کویت را به حمایت‌های همه‌جانبه از عراق تشویق و ترغیب می‌کرد. در بخش حمایت آمریکا از عراق در حوزه نظامی و اطلاعاتی، می‌توان به طور عمده از فروش تسلیحات نظامی و کمک‌های اطلاعاتی به عراق یاد کرد. آمریکا در سال ۱۹۸۰م، ارتش عراق را به طور همه‌جانبه مسلح کرد. بنا به گزارش روزنامه واشنگتن‌پست، ایالات متحده در طول پنج سال معادل ۱/۵ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیک، انواع ماشین آلات، دستگاه‌های حساس کامپیوترهای فوق‌العاده قوی که در امر تولید سلاح‌های شیمیایی، موشکی و هسته‌ای نقش حساس دارند به دولت عراق فروخت (دوردیان، ۱۳۸۴: ۱۴۶). تجهیز نظامی، تنها یک بعد از حمایت آمریکا از صدام در طول جنگ محسوب می‌شود. علاوه بر این، دولت ایالات متحده آمریکا، اعتباری به مبلغ ۸۴۰ میلیون دلار وام به عراق داد. اگر چه این وام‌ها ظاهراً برای طرح‌های غیر نظامی با واردات مواد غذایی مورد نیاز، در نظر گرفته شده بود اما به تلاش‌های جنگی عراق کمک می‌کرد (ویلسمه، ۱۳۹۲: ۱۰۳). همچنین از سوی آمریکا وامی به مبلغ یک میلیارد دلار برای خرید و به‌کارگیری توانایی ساخت سلاح به عراق واگذار شد (همان). همچنین با وارد کردن ناوگان نظامی خود به بهانه حفظ جریان آزاد نفت در خلیج فارس و نصب پرچم‌های خود بر کشتی‌های کوییتی بطور مستقیم و عملاً به حمایت نظامی از عراق پرداخت. حمله به سکویهای نفتی رشادت و سلمان، انهدام ناوچه سه‌سند و ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایرانی با ۲۹۰ سرنشین غیرنظامی از جمله دردناک‌ترین حوادث از مداخله نظامی آمریکا در حمایت از عراق در دوران دفاع مقدس است. در کنار این حمایت‌ها، ایالات متحده با دادن اطلاعات نظامی و همین‌طور با حمایت‌های مستشاری به آرایش دفاعی عراق و آمادگی دفاعی برای مقابله با تهاجمات ایران بسیار کمک کرد. در بخش اقتصادی و مالی نیز، آمریکا بر اساس توافقنامه‌های مختلف، میلیاردها دلار وام به صدام حسین اعطا کرد. این وام‌ها اگر چه در ظاهر برای اهداف غیر نظامی بود اما در اصل به اهداف جنگی و نظامی عراق کمک می‌کرد. از سوی دیگر، آمریکا در جهت حمایت اقتصادی عراق، ایران را از نظر اقتصادی تحریم کرد و برای تکمیل این اقدام، کشورهای هم‌پیمان خود را تحت فشار قرار داد تا به تحریم ایران بپردازند.

#### ۴-۲. اتحاد جماهیر شوروی

با شروع جنگ ایران و عراق، شوروی حداقل در ماه‌های اولیه جنگ، خود را بیشتر همسو با ایران نشان می‌داد. در واقع آنان برای حفظ منافع آتی خود، در حالی که عراق هنوز متحد شوروی و از لحاظ نظامی وابسته به مسکو بود، ابتدا از ارسال اسلحه و تدارکات نظامی به عراق امتناع کردند (دوردیان، ۱۳۸۰: ۱۱۳). با وجود این، برای اینکه قطع صدور وسایل نظامی، موجب رنجش عراق نشود، متحدان اروپای شرقی خود را تشویق کردند که نیازهای عراق را بر طرف سازند. در چارچوب این رویکرد، کشورهای بلغارستان، چکسلواکی و لهستان به تأمین کننده عمده سلاح برای عراق تبدیل شدند.

اما پس از اینکه روس‌ها به جذب ایران و داشتن روابط مطمئن از سوی ایران ناامید شدند و همچنین در سایه وضعیت جدید جنگ و پس از اقدام ایران در ورود به خاک عراق، رویکرد شوروی به ایران تغییر کرد. در این مرحله از جنگ، شوروی بیش از پیش بر کمک‌های تسلیحاتی خود به عراق افزود. در چارچوب این تحول طه یاسین رمضان وزیر خارجه وقت عراق در مصاحبه با روزنامه تایمز لندن اظهار داشت: «رهبران شوروی موضع مبهمی را که از زمان شروع جنگ داشتند کنار گذاشتند و تمام تعهدات مکتوب را برای تحویل تسلیحات به عراق بنابر معاهده دوستی ۱۹۷۲ اجرا می‌کنند» (درویشی سه تلانی و رحمتی، ۱۳۹۵: ۳۵-۵۵). براساس این توافقنامه شوروی تسلیحات مدرنی به

ارزش ۸/۸ تا ۹/۳ میلیارد دلار در اختیار عراق گذاشت که شامل حدود ۲۰۰۰ دستگاه تانک، ۳۰۰ فروند جنگنده، ۳۵۰ فروند موشک زمین به زمین «اسکاد بی» و هزاران ادوات جنگی بود، از طریق بندر «عقبه» اردن به عراق منتقل کرد. عراق در نتیجه این کمک‌ها موفق شد توانایی نظامی خود را ظرف دو سال، ۴۰ درصد افزایش دهد به نحوی که این کشور در شب بازپس‌گیری فاو در حدود ۵۰۰۰ دستگاه تانک، ۴۵۰۰ دستگاه وسیله نقلیه جنگی، ۵۵۰۰ عراده توپ، ۴۲۰ فروند بالگرد و ۷۲۰ فروند جنگنده در اختیار داشت. علاوه بر این، مستشاران شوروی با استقرار در پایگاه‌های نظامی نیز در استفاده فنی و پشتیبانی از این تسلیحات و جنگ‌افزارها در صحنه نبرد نقش اساسی داشتند (قادری کنگاوری، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۳).

بطور کلی با توجه به شواهد و اطلاعات موجود بالغ بر ۸۵ درصد تجهیزات مورد استفاده عراق در جنگ با ایران، ساخت کشور اتحاد جماهیر شوروی بود؛ به همین خاطر باید گفت که شوروی بزرگترین صادرکننده ادوات و تجهیزات نظامی به عراق طی جنگ هشت ساله عراق با ایران بود.

#### ۴-۳. کشورهای اروپای غربی

در جریان جنگ هشت ساله‌ای که از سوی عراق به جمهوری اسلامی تحمیل شد، کشورهای اروپایی به طرق مختلف به حمایت از عراق پرداختند. این کشورها که در آغاز جنگ نسبت به تجاوز رژیم بعث عراق علیه ایران سکوت اختیار کرده بودند به نحوی که مجله نیویورک تایمز آن را «سکوت پرمعنا اروپا» نامیده و درباره آن نوشته بود: «این مسئله عجیب است که چگونه اروپاییان در برابر تهاجم عراق به ایران ساکت نشسته‌اند و حال آنکه واردات نفت آنان که در امنیت‌شان بسیار حائز اهمیت می‌باشد متکی به امنیت منطقه است» (تیمرمن، ۱۳۸۲: ۵۸). با وجود این، هم‌زمان با تحولاتی که با پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ حاصل شد، سیل کمک‌های نظامی و مالی دولت‌های اروپایی به سوی عراق سرازیر و این کشورها همچون آمریکا و شوروی نیز به تجهیز و تقویت توان نظامی عراق مبادرت کردند.

در این راستا فرانسه تنها طی سال ۱۹۸۲-۱۹۸۱ بالغ بر ۴۰ میلیارد فرانک سلاح به عراق فروخت بطوریکه این کشور در ردیف دوم فروشندگان تسلیحات به عراق بعد از شوروی قرار داشت. در همین سال صدور مواد غذایی از سوی شرکت‌های فرانسوی به عراق به ۴/۷ میلیارد دلار بالغ گردید. در سال ۱۹۸۳ نیز جنگ افزایشی به ارزش ۵/۶ میلیارد دلار به عراق فروخت و هواپیماهای سوپراتاندارد را به همراه موشک‌های اگزوسه به این کشور تحویل داد. همچنین پاریس در سال‌های ۸۶ - ۱۹۸۵ حدود ۵ میلیارد دلار وام در اختیار بغداد گذاشت و به این ترتیب به بزرگترین شریک اروپایی عراق تبدیل شد (همان: ۶۲). همزمان با این اقدامات، پاریس همواره از پرداخت بدهی یک میلیارد دلاری خود به ایران طفره رفت و در تمام سال‌های جنگ از فروش کالاها و سلاح‌هایی که توازن جنگ را به نفع ایران تغییر دهد، خودداری ورزید.

براساس گزارش‌های موجود، فرانسه بالغ بر ۹ میلیارد دلار تسلیحات کیفی در اختیار عراق قرار داد. کمک‌های خارجی فرانسه به عراق به جایی رسید که فرستاده حکومت فرانسه در زمان ریاست جمهوری «والری ژیسکاردستن» به عراق آمد و با وزیر دفاع وقت «عدنان خیرالله» ملاقات نمود و به او اطلاع داد که «فرانسه به طور جدی زمینه‌های اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می‌نماید. می‌توان برای مجبور کردن ایران به متوقف کردن جنگ این بمب را به هدف مشخصی پرتاب نمود» (السامرای، ۱۳۹۹: ۱۳۸-۱۳۹). همزمان با کمک‌های فرانسه، ایتالیا اجازه فروش ۱۱ فروند کشتی جنگی و یک لنگرگاه شناور نفتی را به ارزش ۱/۸ میلیارد دلار به عراق صادر کرد. انگلستان نیز در طول سال ۸۲ - ۱۹۸۱م با انعقاد چند قرارداد عمده، مقدار زیادی سلاح در اختیار عراق قرار داد. در مارس ۱۹۸۲ انگلیس موافقت خود را برای تحویل تانک به عراق به ارزش یک میلیارد دلار اعلام داشت. در کنار آن، لندن مذاکره درباره فروش ۳۰۰ هواپیمای هاوک به عراق را به مبلغ ۲ میلیارد دلار با بغداد از سر گرفت. در همین سال، آلمان غربی نیز سفارشی به مبلغ ۴ میلیارد مارک برای خرید ضد هوایی رونالد از عراق دریافت داشت. این در حالی بود که آلمان از تحویل سه ناوچه ایرانی خریداری شده پیش از انقلاب خودداری می‌کرد (یکتا، ۱۳۷۳: ۱۶۲).

بنابر گزارش اشیپگل، شرکت‌های تسلیحاتی آلمانی در طول جنگ ایران و عراق، حدود ۱۰ هزار قبضه موشک ضدتانک سیستم میلان، ۱۰۵۰ موشک ضدهوایی رولاند و همچنین ۶۰ فروند بالگرد «BO-۱۰۵» مجهز به موشک وحشتناک ضد تانک «هات» به عراق فروخت. علاوه بر این، آلمان طی دوران جنگ تحمیلی در تجهیز رژیم بعث به سلاح‌های شیمیایی نقش فعالی داشت (عیخانی، ۱۳۷۶: ۱۷۱). طبق گزارش «واشنگتن‌پست» و «پپلز وُرد»، حمایت شیمیایی آلمان از عراق در دهه ۱۹۸۰م موضوعی است که اسناد و شواهد متعددی برای آن وجود دارد. بر اساس آماري که در اسناد منتشر شده، شمار شرکت‌های آلمانی تامین کننده تسلیحات شیمیایی رژیم صدام در جنگ با ایران، به رقم ۸۰ مورد رسید که نشان دهنده گستردگی این حمایت است. ادو اولفکات، خبرنگار آلمانی روزنامه مشهور «فرانکفورتر آگماینه» که در دوران جنگ تحمیلی خبرنگار اعزامی این روزنامه به مناطق جنگی عراق بود می‌گوید: «مقامات آلمانی بسیار خرسند بودند که این سلاح‌های شیمیایی را برای استفاده علیه ایران به صدام داده‌اند.» (قادری کنگاوری، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۶).

نتیجه اینکه با توجه به چنین حجم تسلیحاتی که به عراق داده شد، ماشین جنگی این کشور در مدت کمتر از دو سال دو برابر شد و عراق توانست میزان نیروی زمینی خود را از ۲۶ لشکر به ۴۵ لشکر در ۱۹۸۸م افزایش دهد.

#### ۵. سیاست سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (حفظ موازنه قدرت در منطقه و بین‌الملل)

طبق فصل ششم و هفتم منشور، شورای امنیت از کشورها می‌خواهد اختلافات خود را از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند و از هر گونه استفاده از زور علیه همدیگر خودداری نمایند و در صورت حمله به کشورهای دیگر و نقض تمامیت ارضی متجاوز شناخته خواهد شد و می‌بایستی طبق دستور العمل منشور با متجاوز برخورد شود. این سازمان‌های بین‌المللی با آنکه در عرصه نظام بین‌المللی دارای موجودیت مستقلی فرض می‌شوند، اما کشورهای قدرتمند جهانی همواره با استفاده از نفوذ و قدرت خود، این سازمان‌ها را در جهت اهداف و منافع خود، به بهره‌برداری رسانده‌اند. با وجود اینکه تجاوز نیروهای بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده نقض کاملاً آشکار تمامیت ارضی ایران بود. در این میان سیاست‌های عملکردی سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که قریب به اتفاق آنها با ندای صلح جهانی پایه‌ریزی شده بودند، قابل تأمل است.

#### ۵-۱. شورای همکاری‌های خلیج فارس

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و چهار ماه پس از حمله عراق به ایران، سران شش کشور عربی حوزه خلیج فارس (عربستان، امارات متحده عربی، کویت، بحرین، عمان و قطر) در حاشیه کنفرانس سران کشورهای اسلامی به صورت غیررسمی جلسه‌ای را تشکیل داده و در نهایت با انتشار بیانیه‌ای در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۶ تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را رسماً اعلام کردند. در این بیانیه با اشاره به منافع مشترک، نظام‌ها و رژیم‌های سیاسی مشابه، افزایش همکاری‌ها در عالی‌ترین سطح در زمینه‌های اقتصادی، مالی، آموزشی، پرورشی، اجتماعی، بهداشتی، ترابری، اطلاعات، گذرنامه، بازرگانی و... بین کشورهای عضو به عنوان دلایل تشکیل این شورا اعلام گردید. اما در کمترین زمان، برخی از اظهارنظرها و کارکردهای این شورا نشان داد اهداف اصلی شورای همکاری خلیج فارس بسیار متفاوت از اهداف اعلامی است. این اهداف شامل، جلوگیری از گسترش حرکت و نهضت اسلامی و صدور انقلاب اسلامی، حفاظت از منافع غرب در منطقه و کمک به عراق در جنگ علیه ایران بود. قبل از اعلام رسمی تشکیل این شورا، روزنامه کویتی الرأی العام در مورخ ۱۳۵۹/۹/۶ نوشت: «شش کشور عرب حوزه خلیج فارس سرگرم مطالعه پیش نویس یک پیمان امنیت جمعی هستند. این پیمان تا اندازه زیادی به جنگ عراق علیه ایران ارتباط دارد.» عملکرد این شورا در خلال جنگ تحمیلی شواهدی گویا بر فلسفه تشکیل این شورا است. این کشورهای از همان آغاز تجاوز عراق و در راستای راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مبنی بر مهار انقلاب اسلامی با تمام توان در کنار صدام قرار گرفتند و کمک‌های قابل توجهی و بسیار ذی‌قیمتی را به عراق کردند. به گزارش مجله الحریه فلسطین، هزینه‌های نظامی عراق در سال ۱۹۸۶ حدود ۳۷ میلیارد دلار بود که ۳۰ میلیارد دلار آن توسط عربستان و کویت و دیگر کشورهای عضو شورای خلیج فارس تامین شد.

#### ۵-۲. جنبش عدم تعهد

اگر چه تشکیل «کمیته حسن نیت» در همان بدو شروع جنگ، تمایل باطنی اعضای جنبش عدم تعهد را برای فیصله یافتن جنگ نشان می‌داد، اما مخالفت‌های عراق که در سال‌های اول جنگ در موضع برتری قرارداشت از یک سو، سنگ‌اندازی‌های برخی اعضای جنبش عدم تعهد به‌ویژه کشورهای طرفدار عراق در متجاوز اعلام شدن عراق در نشست‌های مختلف این جنبش، از سوی دیگر مانع از برقراری صلح و آتش‌بس میان ایران و عراق شد. قطعنامه‌های صادره جنبش عدم تعهد عمدتاً به علت نداشتن صراحت لازم در محکومیت عراق به خاطر حمله به مناطق مسکونی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان متجاوز، نه تنها از سوی ایران با استقبال مواجه نشد، بلکه نسبت به حسن نیت کمیته، تردیدهای نیز به وجود آمد. در مجموع، عملکرد کلی جنبش عدم‌تعهد در طول جنگ ایران و عراق نشان می‌دهد که این جنبش نتوانست موضع عادلانه، صریح و قاطعانه‌ای در برابر تجاوز عراق به خاک ایران اتخاذ نماید.

#### ۵-۳. سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی برخلاف اصول پذیرفته شده اساسنامه خود، با سکوت در قبال تجاوز عراق به خاک ایران از محکوم نمودن عراق به‌عنوان متجاوز خود داری کرد، در اکثر موضع‌گیری‌های و قطعنامه‌ها نیز، جانبداری این سازمان از رژیم عراق به وضوح دیده می‌شود به طوری که در چهارمین کنفرانس سران، عراق به خاطر پذیرش قطعنامه ۵۴۰ شورای امنیت مورد قدردانی قرار گرفت و در مورد کشتیرانی از ایران خواسته شد به قوانین بین‌المللی کشتیرانی احترام بگذارد و این در حالی بود که عراق ضمن نقض متعدد قوانین بین‌المللی هوایی و دریایی، تعداد فراوانی از کشتی‌های تجاری و غیر نظامی در خلیج فارس را مورد حمله قرار داده بود (هدایتی خمینی، ۱۳۷۰: ۱۴۱-۱۴۵).

#### ۵-۴. سازمان ملل متحد

یکی از مهم‌ترین ارکان سازمان ملل متحد، که مسئولیت حفظ صلح و ثبات بین‌المللی منحصراً به این رکن واگذار شده، شورای امنیت می‌باشد؛ به عبارت دیگر شورای امنیت مهم‌ترین رکن سازمان ملل است که با دارا بودن اختیارات وسیع و در دست داشتن اهرم‌های اجرایی و قوه قهریه، مسئول مستقیم حفظ نظم، صلح و امنیت جهانی است. بررسی عملکرد و کارکرد شورای امنیت در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نشان می‌دهد که این شورا تا زمانی که عراق در جنگ در موقعیت برتر داشت، از اتخاذ موضعی مبنی بر متجاوز اعلام نمودن عراق در تجاوز به خاک ایران خود داری کرد و تنها پس از عملیات پیروزمند بیت‌المقدس که منجر به آزادی خرمشهر گردید، در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۱ (۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲م) با تشکیل جلسه قطعنامه ۵۱۴ را به اتفاق آرا تصویب کرد. در این قطعنامه برای اولین بار خواستار آتش‌بس و خاتمه فوری عملیات نظامی گردید و از طرفین خواست تا به مرزهای شناخته شده بین‌المللی عقب نشینی کنند، اما درباره تعیین متجاوز سکوت کرده بود در قطعنامه‌های ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۸۸ نیز کمابیش مواضع قبلی تکرار شد شورای امنیت در مقابل استفاده عراق از سلاح شیمیایی نیز اقدام مؤثری انجام نداد و تنها در سی‌ام مارس ۱۹۸۴م طی یک بیانیه‌ای کاربرد سلاح شیمیایی را محکوم کرد بدون اینکه نامی از عراق ببرد (هدایتی خمینی، ۱۳۷۰: ۹۹-۱۰۱). بررسی موضع‌گیری شورای امنیت در برابر تهاجم عراق به کویت در اوت سال ۱۹۹۰م، برخورد دوگانه این شورا در قبال تجاوز عراق به ایران و کویت بیشتر آشکار می‌گردد. در حالی که شورای امنیت در حمله عراق به ایران تنها به اطلاق حالت «وضعیت میان دو کشور» تا تصویب قطعنامه ۵۹۸ اکتفا کرد و تنها پس از تصویب این قطعنامه احراز نمود که در جنگ ایران و عراق، نقض صلح حادث شده است و در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های خود به جای محکوم کردن عراق صرفاً خواستار خاتمه جنگ و حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری شد. در نخستین ساعات حمله عراق به کویت تشکیل جلسه داد و در قطعنامه ۶۶۰ در دوم اوت ۱۹۹۰م با استناد به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور، نقض صلح را احراز کرد و خواستار خروج بی‌قید و شرط عراق از خاک کویت گردید (میرزایی ینگجه، ۱۳۶۸: ۲۰۵). با توجه به مطالب بیان شده مشخص می‌شود شورای امنیت سازمان ملل متحد نه تنها در هنگام تجاوز عراق به خاک ایران اقدام مؤثری انجام نداد، بلکه از طریق بیانیه‌ها و قطعنامه‌های جانبدارانه عملاً باعث استمرار سیاست‌های جنگ‌طلبانه عراق گردید.



بطور کلی با آغاز جنگ عراق علیه ایران در حالی که جمهوری اسلامی ایران از هرگونه حمایت خارجی بی‌نصیب بود ولی رژیم بعثی عراق با پشتیبانی‌های جهانی وارد جنگ با ایران شده بود و کشورهای متعدد غربی و عربی با اعزام مستقیم نیرو و سلاح و تجهیزات نظامی و کمک‌های مالی، ارتش عراق را حمایت می‌کردند. تصاویر زیر خود شاهده گویا بر حمایت همه‌جانبه جامعه جهانی در حمایت از عراق در جنگ تحمیلی است.





### جنگ جهانی یا جنگ تحمیلی ؟

جنگ ایران و عراق یا مشخصترین خوانشترین نبرد کلاسیک در قرن بیستم و دومین جنگ جهانی این قرن پس از جنگ ویتنام شناخته میشود. آن چه در این میان بسیار جالب اهمیت است، مسائلی حضور نقش مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از کشور آفریقا و اروپا در حمایت از عراق و سیل بیگم کنگ های تالی و نقاشی این کشورها به عراق طی هشت سال جنگ تحمیلی است.

پس شک برداختن به ایجاد آثاری از سال تسلیحات تانکی به عراق در طول جنگ از سوی غرب و اروپا در حالی که ایران در طول این جنگ از حداقل تسلیحات نظامی بهره میبرد از جغرافیای جنگ جهانی در این زمینه پرده بر میدارد.

**انگلیس**  
عراق از راه جبهه شمالی  
وگرنس به عراق ۲۰۰ مایله در فر  
۱۹۱۵ مایله بود. ۳۰۰ مایله تا فر  
سال ۱۹۱۵ میلادی عراق را تصرف

**بلژیک**  
فرانس و بلژیک با همکاری  
فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

**آلمان**  
عراق و آلمان در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

**ایتالیا**  
عراق و ایتالیا در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

**آمریکا**  
عراق و آمریکا در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

**فرانسه**  
عراق و فرانسه در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

**شوروی**  
عراق و شوروی در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

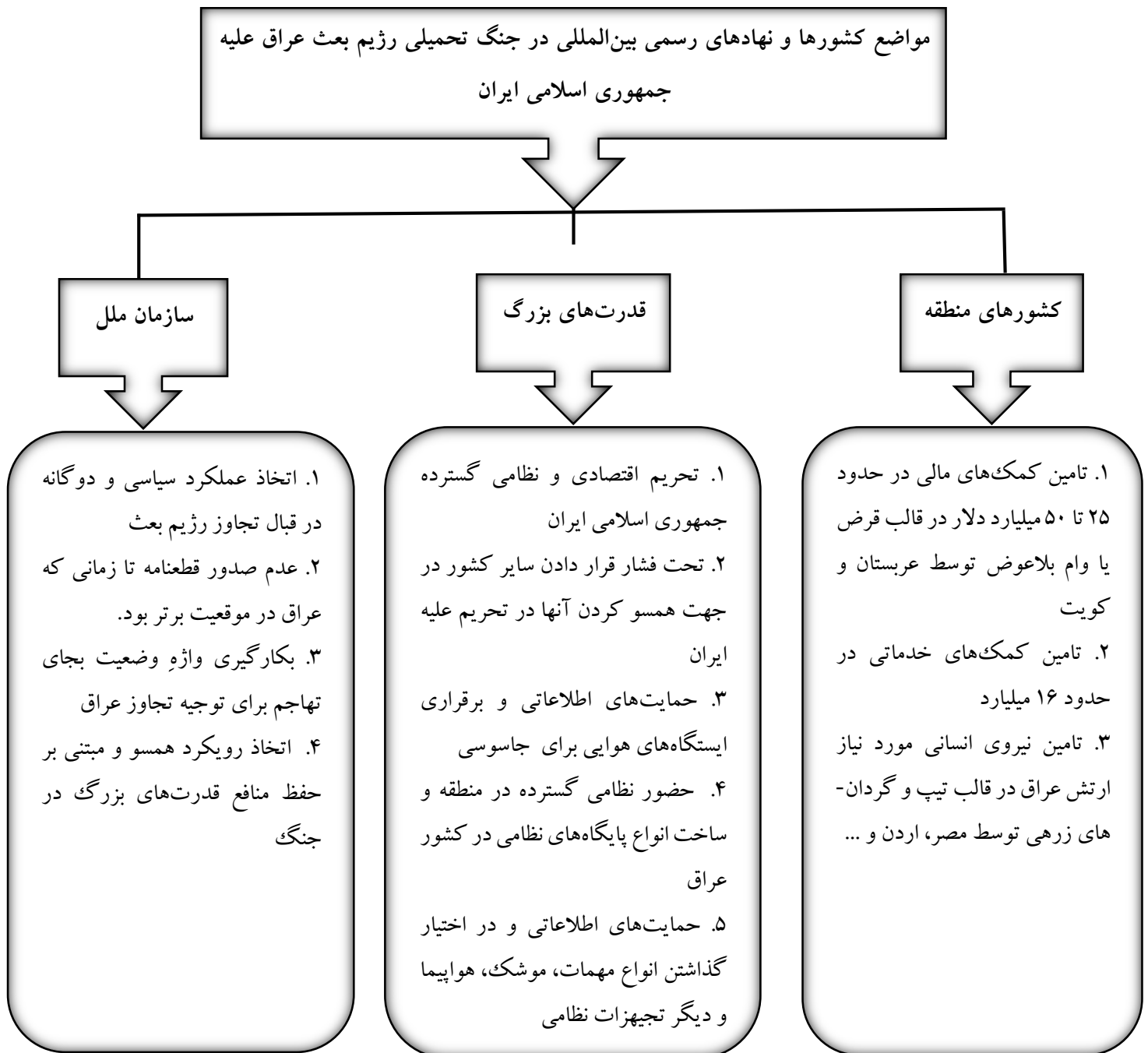
**کویت**  
عراق و کویت در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

**عربستان**  
عراق و عربستان در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

عراق و ایران در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله  
تا فرانس و بلژیک در ۱۹۱۵ مایله

منبع: پایگاه بصیرت، ۶ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <https://basirat.ir/fa/news/304823>

شکل ۱. مواضع کشورها و نهادهای رسمی بین‌المللی در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران\*



#### ۶. نتیجه گیری

در این پژوهش در پاسخ به این سؤال که سیاست‌های نظام بین‌المللی در مواجهه با دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران چیست؟، سیاست‌های کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در چارچوب مفهومی نظریه واقع‌گرایی و نظام دو قطبی تبیین گردید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که گفتمان جدید انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی - نه غربی» که حاوی نظم جدیدی در منطقه بود موجی از نگرانی را در کشورهای منطقه و جهان به همراه آورد. به گونه‌ای که آنان احساس کردند جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد ساختار (موازنه) قدرت در منطقه و جهان را برهم بزند. از این رو در راستای حفظ وضع موجود به منظور ایجاد تغییر یا تضعیف رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها از اقدامات نظامی و جنگی همه‌جانبه از سوی صدام استقبال کردند، بلکه هر یک از آنها به صورت فردی و یا جمعی و نیز با استفاده از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از رژیم بعث عراق حمایت کامل نمودند. در این بین، کشورهای منطقه در سه بعد اقتصادی، سیاسی و نظامی در جنگ از عراق حمایت کردند به جز کشورهای سوریه و لیبی سایر کشورها همسو با سیاست‌های غرب و هماهنگ با رژیم عراق مواضع تندیه علیه انقلاب اسلامی اتخاذ کردند. ایالات متحده نیز در طول دوران دفاع مقدس در سه بخش سیاسی، اقتصادی و نظامی اطلاعاتی رژیم بعث عراق را مورد حمایت قرار داد. اتحاد جماهیر شوروی نیز در ابتدا بصورت غیر مستقیم از طریق متحدان اروپای شرقی و سپس بصورت مستقیم حمایت تسلیحاتی گسترده‌ای از رژیم عراق نمود. کشورهای اروپای غربی نیز به سیاست حمایت گسترده تسلیحاتی از رژیم عراق را در پیش گرفتند. سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همچون شورای همکاری خلیج فارس، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و سازمان ملل متحد نیز در مواجهه با جنگ تحمیلی طیفی از اقدامات اعم از سکوت، عدم موضع عادلانه، صریح و قاطعانه، جانبداری و حمایت از عراق را اتخاذ کردند.

### فهرست منابع

- اردستانی، حسین(۱۳۷۹). «جنگ تحمیلی تأثیر تحولات صحنه نبرد بر استراتژی قدرت‌های بزرگ»، فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره ۲، تابستان.
- تیمر من، کنت آر.(۱۳۸۲). *سوداگری مرگ*، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه فرهنگی رسا.
- رسولی ثانی آبادی، الهام(۱۳۸۸). «وقوع ایران و عراق از منظر واقع گرایی ساختاری والتز»، مجله نگین، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار.
- درویشی، فرهاد و دیگران(۱۳۸۰). ریشه‌های تهاجم: تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران.
- جعفری ولدانی، اصغر(۱۳۶۹). *روابط عراق و کویت*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جلالی، رضا(۱۳۸۳). «استراتژی حفظ توازن قوا در منطقه خلیج فارس با تاکید بر جنگ ایران و عراق»، فصلنامه فرهنگ پایداری، تهران، ش ۳، زمستان.
- خالوزاده، سعید(۱۳۸۳). *حمایت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی آمریکا از عراق در جنگ با ایران*، تهران، ابرار معاصر.
- دوردیان، محمد(۱۳۸۹). *سیری در جنگ ایران و عراق، شلمچه تا حلبچه*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درویشی سه تلانی، فرهاد و رحمتی، مهدی(۱۳۹۵). «*روابط ایران و شوروی در دوره جنگ ایران و عراق*»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ش ۱، بهار.
- دوردیان، محمد(۱۳۸۰). *پرشش‌های اساسی جنگ*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دوردیان، محمد(۱۳۸۴). *روند پایان جنگ*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- روزن، باری(۱۳۷۹). *انقلاب ایران: اندولوژی و نماد پردازی*، ترجمه سیاوش مریدی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- السامری، وفیق(۱۳۹۹). *ویرانی دروازه شرقی*، ترجمه عدنان قارونی، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- صالحی، حمید(۱۳۹۰). «*ابرقدرت‌ها نظام بین‌الملل و جنگ عراق علیه ایران*»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار.
- صفری، محسن(۱۳۷۰). *ما اعتراف می‌کنیم*، تهران، حوزه هنری.
- عزتی، عزت‌الله(۱۳۸۴). *تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق*، تهران، وزارت امور خارجه.
- علیخانی، علی اکبر(۱۳۷۶). *موانع و عملکرد نظام بین‌المللی در قبال جنگ علیه ایران*، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- فیلی رودباری، سوا(۱۳۷۵). *کتاب سبز کویت*، تهران، وزارت امور خارجه.
- قادری کنگاوری، روح‌الله(۱۳۸۹). «*تحلیلی بر میزان کمک‌های - تسلیحاتی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران*»، فصلنامه نگین، ش ۳۲، بهار.

قاسمی، علی (۱۳۸۶). نقد و ارزیابی نظریه‌های بین‌الملل، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، تهران، انتشارات ابرار معاصر.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). تحول در نظریه‌های بین‌الملل، انتشارات سمت، تهران.

مناقبی، محمد رضا (۱۳۷۵). کتاب سیز/اردن، تهران، وزارت امور خارجه.

میرزایی ینگجه، سعید (۱۳۶۸). ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری، تهران، وزارت امور خارجه.

ویلمسه، مارین (۱۳۹۲). قوی‌ترین شریک جرم: مواضع جانبدارانه آمریکا در جنگ ایران و عراق، ترجمه محمد علی خرمی، تهران، مرز و بوم.

هدایتی خمینی، عباس (۱۳۷۰). شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی، تهران، وزارت امور خارجه.

یکتا، حسین (۱۳۷۳). مواضع قدرت‌های بزرگ و جنگ ایران و عراق، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.